

آموزش به زبان مادری

آموزش به زبان مادری نقش عمده ای در یادگیری مفاهیم علمی و نظری دارد. محققان بسیاری آموزش به زبان مادری را در بالا بردن یادگیری کودکان و نیز شکل گیری و تکامل هویت ملی شان فوق العاده موثر دانسته اند. در این خود آموز برآنیم آموزش به زبان ترکی آذربایجانی را بصورت کاملاً ساده و صرفاً جهت خواندن و نوشتن این زبان جهت استفاده عزیزان ارائه نمائیم.

تقسیمات زبان

زبانهای دنیا براساس ساختارشان به گروههای متفاوتی تقسیم می شوند

- تک هجایی
- قالبی
- التصاقی
- تحلیلی

زبان ترکی جزو زبانهای پسوندی (التصاقی) بشمار می رود. در زبان ترکی ریشه کلمه تغییر پیدا نکرده و ریشه پیشوند و میان وند نمی پذیرد و پسوند با الصاق شدن به آخر ریشه حالتی دستوری متفاوتی به کلمات می دهد.

برای مثال ریشه " داغ " می تواند پسوند های متفاوتی بخود بگیرد:

داغ = داغچی - داغا - داغدان - داغلار - داغدا - داغلاردا - داغچی لاردان

Dağ $\Rightarrow$ dağçı - dağa - dağdan - dağlar - dağda - dağlarda - dağlardan-

چنانچه مشاهده می شود ریشه (kök) داغ ثابت بوده ولی پسوندها (ə) معانی آنرا تغییر داده اند.

زبان فارسی دارای هر سه حالت یعنی پیشوند - میانوند و پسوند است و در این زبان ریشه ثابت نمانده و در حالات دستوری متفاوت شکل خود را تغییر می دهد.

چنانچه دیدیم زبان ترکی فقط پسوند بخود می گیرد و به همین جهت در گروه زبانهای پسوندی (التصاقی) قرار می گیرد.

الفبا

الفبا اشارتی قراردادی هستند برای نشان دادن صداها. الفبایی که ترکی آذربایجانی را بتوان به آسانی نوشت و خواند الفبای لاتین است.

در زبان ترکی آذربایجانی ۳۲ حرف وجود دارد که تقریباً هر حرف آن بیانگر یک صدا می باشد. همانطوریکه میدانیم در زبان انگلیسی بعضاً چند حرف بیانگر یک صدا می باشد

مثل: (ش = sh) (چ = ch) و ...

و در زبان فارسی برای یک صدا چند حرف وجود دارد

مثل: (S = س - ث - ص) یا (Z = ز - ض - ظ - ذ) و یا (T = ت - ط)

اما در زبان ترکی آذربایجانی هر حرف بیانگر یک صدا و هر صدا بیانگر یک حرف می باشد.

زبان مادریمان به سبب تفاوتی که از نظر تلفظ و نوع صداها با الفبای عربی (به غلط این الفبا را فارسی می نامند) دارد خواندن و نوشتن با این الفبا را برایمان مشکل کرده است.

وجود صداهایی چون (خودم - Ö = Özüm)، (عدد ۳ - Ü = Üç)، (خوشمزه - I = Dadlı)

که در عربی و فارسی وجود ندارند و نیز مشکلات فراوان دیگر نوشتن و خواندن به الفبای عربی را مشکل کرده است. الفبای لاتین این مشکلات را برایمان حل کرده است.

برای برطرف کردن مشکلات نوشتن به زبان ترکی آذربایجانی با الفبای عربی ناچاراً از اشاراتی استفاده می کنند.

مثال:

(ö = او) - (ü = او) - (o = او) - (u = او)

در صفحه بعد به جدول الفبای ترکی آذربایجانی توجه کنید.

الفبای لاتین ترکی آذربایجانی

A a	آ	Azərbaycan	Q q	ق	quş
B b	ب	baba	L l	ل	laçın
C c	ج	cücə	M m	م	maral
Ç ç	چ	çiçək	N n	ن	nar
D d	د	dağ	O o	او	oğlan
E e	ای	el	Ö ö		ölkə
Ə ə	آ	əl	P p	پ	papaq
F f	ف	fil	R r	ر	varlıq
G g	گ	göl	S s	س، ص، ث	su
Ğ ğ	غ	dağ	Ş ş	ش	şor
H h	ح _ ه	haray	T t	ت، ط	torpaq
X x	خ	xan	U u	او	uşaq
I ı		ıldırım	Ü ü		üç
İ i	ای	isti	V v	و	Varlıq
J j	ژ	jurnal	Y y	ی	yel
K k	ک	kimlik	Z z	ز - ظ - ض - ذ	zırvə

حروفی که اغلب با تلفظ و شناخت آنها با مشکل بر می خوریم را با مثالهایی تمرین می کنیم.

Ö = özü (کشور) - ölkə (نان) - çörək (اردک) - ördək (مرگ) - ölüm (خودم) - özüm

Ü = üç (شنا کردن) - üzmək (انگور) - üzüm (قدرت) - güc

O = on (چپ) - sol (پر کن) - doldur (در آنجا) - orda (۱۰)

U = uşaq (در اینجا) - burda (آرد) - un (پرواز کن) - uç (کودک)

I = aydın (نگاه کردم) - baxdım (جاری شد) - axdı (آیدین)

İ = bildim (کار) - iş (زبان) - dil (پاک کن) - sil (دانستم)

Y = yarı (راه) - yol (یئر) - yer (تابستان) - yay (نصف)

قانونمند بودن زبانمان نوشتن و خواندن به این زبان را بسیار آسان کرده است.

کلماتی که با الفبای عربی نوشته شده است را با الفبای لاتین بنویسید.

عرب الفبایی	Latin alfabesi	عرب الفبایی	Latin alfabesi
آذربایجان	Azərbaycan	مُوْغان	
اوْرمو		همدان	
ساوالان		قاریشیق	
دوه چی		گوْلدوم	
پاس لانیب		بوْغولدو	
بوْلدوم		بابک	
باغیرساق		قابی	
سوْرمه میشم		قیز قلاسی	

Latin alfabesi	عرب الیفباسی	Latin alfabesi	عرب الیفباسی
	اوشاق	قارداش	
Kazım xan	کاظیم خان	بابک	
	تبریز	تانیش	
	سولدوز	سؤز	
	قاچیردیم	بؤلونمک	
ساواشیردیم		دوداق	
باکی		یاناق	
وطن		قارا	
بوغاز		باجی	
گوز		چیچک	
بیلمه میشدیم		دلی	
ساوالان		بولاندیریق	
ده ده قورقود		اؤزگه	
داغلار		زنجان	
ژورنال		قوشاچای	
داش		کیتابی بوکدوم	
سو		اؤه دؤندوم	
بیلگی سایار		اردیل	
قازان		وطن داش	
تؤره مه		بالیق چی	
بوشقاب		سئومه میشدیم	

قانون هماهنگی اصوات (Hava yasası)

زبان ترکی آذربایجانی یکی از با قاعده ترین زبانهای دنیا می باشد که تقریباً استثنایی در حالات دستوری آن مشاهده نمی شود.

یکی از قوانین دستوری که زبانمان را با دیگر زبانها متفاوت کرده ، قانون هماهنگی اصوات میباشد. این قانون شگفت انگیز ما را در نوشتن املائی زبانمان کمک بسیاری می کند.

در زبان ترکی آذربایجانی برخلاف زبان عربی وفارسی بجای ۶ حرف صدادار ۹ حرف صدادار وجود دارد.

چنانچه می دانیم در عربی اَ و اِ ای حروف صدادار می باشند اما در زبان ترکی آذربایجانی حروف (a - e - ə - ı - i - o - ö - u - ü) صدادار هستند .

حروف صدادار حروفی هستند که در هنگام تلفظ آن حروف هوای خارج شده از ریه ها بدون برخورد با مانعی به بیرون می آید و گلو ، زبان و لب مانعی برای خروج صدا ایجاد نمی کند . در تلفظ این ۹ حرف صدا بدون برخورد با هیچ مانعی به بیرون می آید و به همین جهت آنها را حروف صدادار می گویند ولی در ۲۳ حرف دیگر هنگام تلفظ حروف صدا با موانعی برخورد می کند . تفاوت دیگر این دو گروه در آن است که حروف صدادار به تنهایی قابل ادا کردن هستند ولی حروف بی صدا باید همراه یک حرف صدادار ادا شوند. برای مثال در تلفظ حرف O هیچ مانعی بر سر راه هوای خارج شده نیست اما در تلفظ حرف B لب مانع خروج هوا می شود ونیز حرف O به تنهایی ادا می شود ولی حرف B باید همراه یک حرف صدادار که معمولاً (ı) هست ادا می شود. حروف صدادار زبانمان به دو گروه خشن (قالین) و ظریف (اینجه) تقسیم می شوند از ۹ حرف صدادار ۵ تای آن ظریف و ۴ تای آن خشن هستند. شما باید این تقسیم بندی را به خاطر بسپارید.

incə ظریف	i	ö	ü	e	ə
Qalın خشن	ı	o	u	a	

طبق قانون هماهنگی اصوات کلمات ترکی یا تشکیل یافته از حروف صدادار خشن هستند و یا متشکل از حروف صدادار ظریف. بنابراین کلمه ای در زبانمان نداریم که در آن کلمه از هر دو گروه یعنی حروف صدادار خشن و ظریف استفاده شود. این قانون دقیق و شگفت انگیز تعجب زبانشناسان را به خود جلب کرده است. با کمک قانون هماهنگی اصوات نوشتن زبانمان به مقدار زیادی آسان می شود زیرا در نوشتن کلمه ای اولین حرف صدادار مشخص می کند که از کدام گروه (خشن یا ظریف) می باشد و ما تا آخر کلمه از همان گروه استفاده خواهیم کرد.

مثال:

در این کلمات از حروف صدادار خشن (قالین) استفاده شده است.

alardım (می خریدم) – boşladım – (رها کردم) – sular (آبها)
soruşmuşdum (پرسیده بودم)

در این کلمات از حروف صدادار ظریف استفاده شده است.

bilnək (دانستن) – böldüm (تقسیم کردم) – eşitməmişdım (نشنیده بودم)
gələcək (آینده)

قانون مذکور مخصوص زبان ترکی است توجه داشته باشید که این قانون در کلمات بیگانه و در کلمات ترکیبی زبان خودمان و همچنین بعضی از اسمهای خاص مثل ceyran- iylan صدق نمی کند.

بعنوان مثال در کلمه **insan** این قاعده بخاطر اینکه کلمه ای غیر ترکی است رعایت نشده است و حرف ظریف (i) با حرف خشن (a) در یک کلمه بطور یکجا آمده است و همینطور در کلمه **Azərbaycan** چون کلمه ای است که از ترکیب ۴ کلمه بوجود آمده قاعده رعایت نشده است.

زبانهای زنده دنیا کلماتی را از یکدیگر به عاریت می گیرند و این یک واقعیتی است اجتناب ناپذیر بطور نمونه تعداد کلماتی که از دیگر زبانها به زبان فارسی وارد شده است بسیار زیاد می باشد، زبان مادری ما هم کلماتی از زبانهای دیگر پذیرفته است و در عین حال کلمات زیادی از زبان مادریمان در دیگر زبانها مورد استفاده قرار می گیرد. ما باید توجه داشته باشیم که ورود بیش از حد کلمات دیگر به زبانمان می تواند ما را به وضعیتی دچار کند که امروزه زبان فارسی به آن دچار شده است و

از طرفی باید بدانیم کلماتی که از دیگر زبانها به زبانمان وارد شده دچار تغییراتی شده اند و طبق قانونهای حاکم بر زبانمان آن کلمات را پذیرفته ایم برای مثال کلمات محمود (məhmud) و جمال (cəmal) که در آنها قوانین حاکم بر زبانمان رعایت نشده در هنگام ورود به زبانمان دچار تغییراتی می شوند و به (mahmut) و (camal) تغییر شکل می یابند.

تلفظ متفاوت کلمات توسط ترک زبانان با تلفظ ملتهای دیگر ساکن ایران گاه موجب تمسخر ابلهانه نژادپرستانی قرار می گیرد که از قوانین حاکم بر زبانمان بی خبرند و در ذهن مسمومشان تلفظ متفاوت را به حساب ناتوانی ملتمان در تلفظ کلمات می گذارند. حال اینکه قوانین دقیق حاکم بر زبانمان که مایه بسی مباهات است کلمات بیگانه را تا جایی که امکان دارد با قوانین خودش منطبق می کند.

قانون اویقارلیق

علاوه بر قانون هماهنگی اصوات قانون دیگری بنام قانون اویقارلیق در زبان مادریمان وجود دارد که قطعیت قانون هماهنگی اصوات را ندارد. در این قانون حروف صدادار بسته به حالت لبه لایمان در هنگام تلفظ حرف طبقه بندی می شود. اگر لبانمان هنگام ادای حروف به حالت دایره در بیاید به این گروه گروه دوداقلانان و اگر لبانمان حالت کشیده به خود بگیرد به این گروه از حروف دوداقلانمایان می گوئیم.

dodaqlanan دوداقلانان	u	ö	ü	o	
dodaqlanmayan دوداقلانمایان	ı	ə	i	a	e

طبق این قانون اگر اولین حرف صدادار کلمه ای از گروه دوداقلانان باشد معمولاً حروف صدادار بعدی نیز از همین گروه خواهند بود و برعکس اگر اولین حرف صدادار کلمه ای از گروه دوداقلانمایان باشد معمولاً حروف صدادار بعدی نیز از همین گروه خواهند بود. لازم به یاد آوری است که این قانون قطعیت قانون هماهنگی اصوات را ندارد.

مثال :

dodaqlanan $\Longrightarrow$ qonşu – ölüm yoxdurdodaqlanmayan $\Longrightarrow$ başladım – dəniz - əkinçi

نکته : هرگاه حرف (Q - q) ما بین دو حرف صدادار قرار بگیرد تبدیل به حرف (Ğ-ğ)

می شود.

مثال :

uşaq + a $\longrightarrow$ uşağaqaçaq + ı $\longrightarrow$ qaçağıdodaq + ım $\longrightarrow$ dodağım

نکته :

اگر حرف (ک) ما بین دو حرف صدادار قرار بگیر به حرف (ی) تبدیل می شود.

مثال :

birlik + i $\longrightarrow$ birliyibirlik + ə $\longrightarrow$ birliyə

نکته :

حرف (غ) در اول کلمات ترکی نمی آید و کلمات بیگانه ای که با حرف (غ) شروع می شود هنگام استفاده از این نوع کلمات حرف (غ) به حرف (ق) تبدیل می شود .

مثال :

ğulam $\longrightarrow$ qulamğəm $\longrightarrow$ qəm

پسوندها

زبان ترکی به دلیل قرار گرفتن در گره زبانهای پسوندى (التصاقی) دارای پسوندهای بسیار است .

توجه داشته باشید که یک ریشه می تواند چندین پسوند به خود بگیرد.

مثلاً ریشه (su) در کلمه مقابل سه پسوند بخود گرفته su la mış dım (آب پاشی کرده بودم)

و یا کلمه dağ çı lar dan dır mı? (آیا از کوهنوردان است؟) پنج پسوند دارد.

در ذیل برخی از پسوندها جهت استفاده عزیزان ارائه می شود.

پسوندها جمع :

ما با توجه به ظریف یا خشن بودن حروف صدادار کلمه از دو پسوندها (lar) و (lər) یکی را برای

جمع بستن کلمات انتخاب می کنیم . اگر کلمه دارای حروف صدادار خشن (قالین) باشد با پسوند

(lar) جمع بسته می شود و اگر کلمه دارای حروف صدادار ظریف (اینبجه) باشد با پسوند (lər)

جمع بسته می شود.

مثال :

cücələr – serçələr – dillər – göbələr – kəpənəklər

qoyunlar – babalar – almalar – dovşanlar – buludlar

نکته : در کلمات بیگانه ای که بدون رعایت قانون هماهنگی اصوات وارد زبانمان شده اند پسوندها

با توجه به آخرین هجای کلمه شکل می گیرند.

مثال :

کلمه کتاب (kitab) با توجه به اینکه آخرین هجا از گروه خشن (قالین) می باشد با پسوندهای

گروه خشن (قالین) بایستی همراه شود.

kitaba- kitablar – kitabım- kitabçı - ...

پسوندها شرط :

ما با توجه به ظریف یا خشن بودن حروف صدادار کلمه از دو پسوندها (sa) و (sə) یکی را برای

شرطی کردن کلمات انتخاب می کنیم . اگر کلمه دارای حروف صدادار خشن (قالین) باشد با

çi = çörəkçi (نانوا)

çı = dağçı (کوه نورد)

çü = sözcü (سخنگو)

çu = topçu (توپچی)

پسوند سلب

ما با توجه به ظریف یا خشن بودن حروف صدادار کلمه (قانون هماهنگی اصوات) و نیز قانون اویقارلیق از پسوند های (sız-suz-süz-siz) استفاده می کنیم .

مثال:

sız = dadsız (بی طعم)

suz = duzsuz (بی نمک)

süz = köksüz (بی ریشه)

siz = qəmsiz (بی غم)

به سبب قرار گرفتن زبان ترکی آذربایجانی در گروه زبانهای پسوندی پسوند های زیادی در این زبان وجود دارد که ما به چند نمونه از آنها اشاره کردیم در ذیل چند نمونه از پسوند های دیگر آورده شده است.

səl – sal – cül - cil – lıq – liq – lik – luk – lük – im – ım – um – üm – in
ın – siz – sız – suz – süz – ın – ı – a – lar – lər – maq – mək – mə - ma –
lı – lu – lü – li – liş - lıq

پسوند (sa) شرطی می شود و اگر کلمه دارای حروف صدادار ظریف (اینجه) باشد با پسوند (sə) شرطی می شود.

sa = qalsa (اگر بپرسد) – soruşsa (اگر بماند)

sə = getsə (اگر بداند) – bilsə (اگر برود)

پسوند سوال:

ما با توجه به ظریف یا خشن بودن حروف صدادار کلمه (قانون هماهنگی اصوات) و نیز قانون اویقارلیق از پسوند های (mi-mı-mü-mu) استفاده می کنیم .

مثال:

mi = gedirsənmi? (آیا می روی)

mı = qalırsanmı ? (آیا می مانی)

mü = sürdünmü ? (آیا راندی)

mu = susdunmu ? (آیا ساکت ماندی)

پسوند نسبت دادن:

ما با توجه به ظریف یا خشن بودن حروف صدادار کلمه و نیز قانون اویقارلیق از پسوند های (ci-ci-cü-cu-çi-çı-çü-çu) استفاده می کنیم .

ci = öyrənci (دانش آموز)

cı = aparıcı (مجری)

cü = sürücü (راننده)

cu = soyuducu (یخچال)

خود آزمایی:

کدامیک از کلمات زیر به درستی نوشته شده است ؟

A)

1- yoldaşlıq

2- satıcı

3- qonşü

4- satmışdım

D)

1- süpürgə

2- süpurgə

3- supürgə

4- supərgə

B)

1- qapılər

2- qalsə

3- əllər

4- analar

E)

1- istilık

2- istilikə

3- istiliyə

4- istiliye

C)

1- danışsə

2- gözləsa

3- bağlasa

4- açsə

Ə)

1- ğulami

2- qulamı

3- ğulamı

4- qulamö

Ç)

1- soruşdunmi

2- souşdunmü

3- soruşdunmu

4- soruşdunmı

F)

1- dözmüşdüm

2- dözmöşdüm

3- dözmerəm

4- dözmərem

جواب خود آزمایی: (A-4) - (B-4) - (C-3) - (Ç-3) - (D-1) - (E-3) - (Ə-2) - (F-1)

هجاء

هجاء يا همان بخش عبارت است از بخشی از کلمه که در آن یک حرف

صدادار وجود دارد بعبارت دیگر اگر بخواهیم بدانیم کلمه ای از چند هجاء يا بخش تشکیل شده است کافی است تعداد حروف صدادار آنرا بشماریم .

مثال :

۵ حرف صدادار نشانگر ۵ هجایی بودن کلمه است = (گردش نکرده بودم) dolanmamışdım

کلمات زیر چند بخش دارند؟ (با مداد نوشته شود)

göyərçin (3)	Sözüm ()	Vətəndaş ()
türk ()	Özgələrdədir ()	yarpız ()
on ()	mahnı ()	kor oğlu ()
sat ()	sevirəm ()	qolçaq ()
yalvarmaq ()	bağrsaq ()	sözlərindən ()
qoşaçay ()	körpü ()	ağılsız ()

نکته:

حروف (o-ö-e) فقط در هجاء اول کلمات جای میگیرند و در کلمات بیگانه ای که این قاعده رعایت نشده تغییراتی روی میدهد.

مثال:

Nader → Nadir

Pərvanə → Pərvanə

Xatərə → Xatirə

B) insanların elmi gündən günə artmaqdadır

- 1- insanların
- 2- elmi
- 3- gündən
- 4- artmaqdadır

گزینه ۳ صحیح است زیرا در کلمه با وجود رعایت شدن قانون هماهنگی اصوات حرف e برخلاف قاعده در هجای دوم آمده است.

C) yel əsəndə zəmiyə baxırdım elə bil ki zülflərə daraq vururlar.

- 1- əsəndə
- 2- baxırdım
- 3- zülflərə
- 4- vururlar

گزینه ۲ صحیح است زیرا در کلمه **zülflərə** قانون هماهنگی اصوات رعایت نشده است و بجای استفاده از پسوند **lər** از پسوند **lar** استفاده شده است.

Ç) günün çoxunu oğlan meşədə odın yığır

- 1- günün
- 2- çoxunu
- 3- oğlan
- 4- odın

گزینه ۴ صحیح است زیرا در کلمه **odın** با وجود رعایت شدن قانون هماهنگی اصوات قانون اویقارلیق رعایت نشده است و بایستی **odun** نوشته شود.

D) kəndimizdə hər gün gün dağ dalından doğor .

- 1- kəndimizdə
- 2- dağ
- 3- dalından
- 4- doğor

املاء صحیح کلمات زیر را بنویسید. (با مداد نوشته شود)

نادرست	درست	نادرست	درست
yoldaşlıq	yoldaşlıq	Bardağ boşdı	
qonşü		Bardağ boşdo	
Dağlardən		Eşitməmişəm	
Meşe		qorxurdüm	
Gülüm soldo		vuruşmalıyam	

این کلمات بیگانه در زبان مادریمان به چه صورت نوشته می شوند؟

کلمات بیگانه	Ana dilimizdə
əllah	allah
Rəməzan	
Cəmal	
ğolam	
kazem	
Cəlal	

در این جملات کدامین کلمه به غلط نوشته شده است ؟

A) mən yazda ağacların çiçəklənməsini sevirəm.

- 1- yazda
- 2- ağacların
- 3- çiçəklənməsini
- 4- sevirəm

گزینه ۲ صحیح است زیرا در کلمه **ağacların** قانون هماهنگی اصوات رعایت نشده است. و می بایستی این کلمه بصورت **ağacların** نوشته شود.

گزینه ۴ صحیح است زیرا در این کلمه با وجود رعایت شدن قانون هماهنگی اصوات حرف (o) برخلاف قاعده در هجای دوم آمده است و می بایستی بصورت **doğur** نوشته شود.

E) atam axşamçağı kitabı açıb oxudi

- 1- axşamçağı
- 2- kitabı
- 3- açıb
- 4- oxudi

گزینه ۴ صحیح است زیرا در کلمه **oxudi** قانون هماهنگی اصوات رعایت نشده است. و می بایستی این کلمه بصورت **oxudu** نوشته شود.

Ə) qalsə o almalardan ver aparım bacım yesin.

- 1- qalsə
- 2- almalardan
- 3- aparım
- 4- yesin

گزینه ۱ صحیح است زیرا در کلمه **qalsə** قانون هماهنگی اصوات رعایت نشده و به ریشه **qal** پسوند **sə** اضافه شده و می بایستی این کلمه بصورت **qalsa** نوشته شود.

F) otağa girəndə özümö anamın qucağına atdım.

- 1- girəndə
- 2- özümö
- 3- anamın
- 4- qucağına

گزینه ۲ صحیح است زیرا در این کلمه با وجود رعایت شدن قانون هماهنگی اصوات حرف (ö) برخلاف قاعده در هجای سوم آمده است.

مکالمه احمد و یاشار را با الفبای لاتین بنویسید.

Ə- سلام

Ə- salam

Y- سلام نئجه سیز احمد بی ؟

Ə- ساغ اولون یاخشی یام سیز نئجه سیز؟

Y- منده یاخشی یام

Ə- یازدیغینیز یازیلا باغلی سیزه سورغوم وار

Y- بویورون

Ə- یازینیزدا نئچه قایناقدان یاردیم آلیسیز می ؟

Y- اون بئش قایناقدان ایستیفاده ائدمیشم

Ə- یازینیز سون درجه ده ماراقلیدی صبرسیزلیک له آیری یازینیزی گوزله بیرم

Y- ساغ اول احمد بی

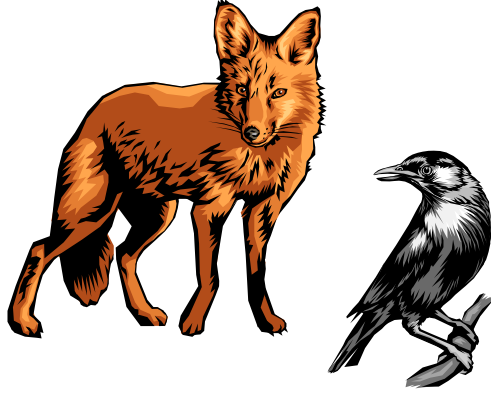
Ə- سیزله گوروشدویوم اوچون سئویندیم

Y- جوما آخشامی یئنده گوروشه ریک

Ə- هله لیک

Y- هله لیک

Qarğa və Tülkü



Qarğa bir tülkü balasının gözünü dimdikləyib çıxartmışdı, tülkü çox acıqlanmışdı. Qarğa əlinə düşmürdü ki, ondan əvəz alsın. Çox düşündü, axırda axtardığını tapdı. O bir dəfə qarğanın gəldiyini görüb yerə uzandı, özünü ölüməyə vurdu. Qarğa elə bildi ki, tülkü doğrudan ölmüşdür. Uçub yaxına gəldi, Tülkünün eşiyyə çıxmış dilini dimdikləmək istədi, ancaq qorxdı Qarğa əvvəlcə tülkünün quryuğunu dimdikləyib qaçdı. Tülkü tərpənmədi. Qarğa yavaş-yavaş Tülkünün ağzına tərəf gəldi ki, dilini dimdikləsin, Tülkü atılıb onu tutdu.

Tülkünün ürəgi çox yanmışdı. O dedi:

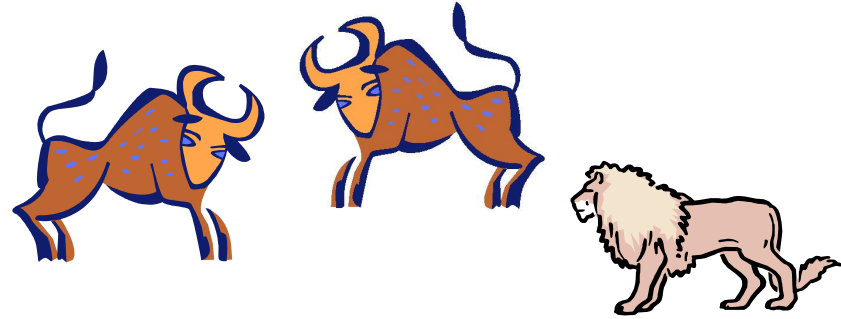
-Qarğa sən balamın gözünü çıxartmısan, indi səni yaman dərd ilə öldürəcəyəm.

Qarğa yalvarmağa başladı



تمرین برای خواندن

متون زیر را بخوانید.



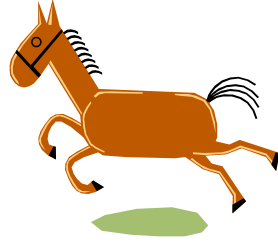
Aslan və iki öküz

Otlaqda iki öküz otlayırdı. Ac aslan onları görüb çox sevindi. O fürsət tapıb öküzlərə hücum etdi. Öküzlər daldala verib, buynuzları ilə aslanı qovdular. Aslan onların birliyini görüb, qorxudan geri çəkildi.

O, hiyləyə əl atdı. Öküzlərin birinə yanaşib pıçıldadı:

-Əzizim bax bu gözəl otlağı sənə verirəm. Dadlı odlardan nə qədər istəyirsən ye! Ancaq o, boz öküzlə gəzmə. Buna əməl etsən sən ilə işim yoxdur. Ağılsız öküz aslanın vədəsinə aldanıb, vəfalı yoldaşından uzaqlaşdı. Bunu gören aslan fürsət tapıb, yalqız qalan öküzü parçalayıb yedi. üç gündən sonra aslan yenidən acalıb, gəlib aldanmış öküzü parçalayıb onuda yedi. Uşaqlar namərdin qaydasıdır, ayırır dostu dostdan.

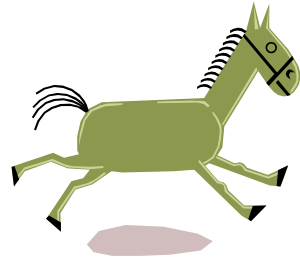
Dəyirmançı və Eşşək



Bir dəymançı, oğlu ilə birlikdə eşşəyi sürüb bazara satmaq üçün aparırdılar. Bir az yol getdikdən sonra qabaqlarına bir dəstə qız çıxdı. Qızlardan birisi dəyirmançı ilə oğlunu görcək dedi:

Görün nə ağılsız adamdırlar, eşşəyi boş-boşuna qabaqda sürüb aparırlar, heç biri də onun üstünə minib və bir az rahat olmaq estəmirlər. Bu sözü eşitcək, oğlan atılıb eşşəyin belinə mindi. Yolun bir azını sevinə-sevinə getdilər. Bu dəfə də onlara bir neçə

qoca tuş gəldi. Qocalardan biri yoldaşlarına dedi:



Baxın, zaman necə dəyişibdir, daha kimse qocalara və ağsaqqallara ehtiram etmir. Bu tənbel və qeyrətsiz oğlana baxın, çox rahatlıq ilə eşşəyin üstündə oturub, düşünmür ki qoca dalınca sürünür.

Düş yerə, tənbel boynu yağun, qoy yazıq kişi də bir az minsin, yorğunluğunu alsın. Bu sözü eşidincə, dəyirmançı oğlunu endirib özü eşşəyi mindi. Bir az keçməmiş qabaqlarına bir dəstə arvad-uşaq çıxdı. Arvadlardan birisi üzünü dəyirmacçıya tutub dedi:

- A Tülkü lələ, mənə necə öldürəcəksən öldür, Ancaq dəryaya atma. Sudan yaman qorxuram, çünkü üzmək bacaramıram.

- Tülkü bu sözdən sevinib dedi:

- Aha yaxşı oldu, səni gərək elə dəryaya atam, bəlkə ürəyim soyusun.

Tülkü qaça-qaça getdi, dərya qırağıdakı, uca qayanın başına çıxdı. Qarğa çox yalvardı:

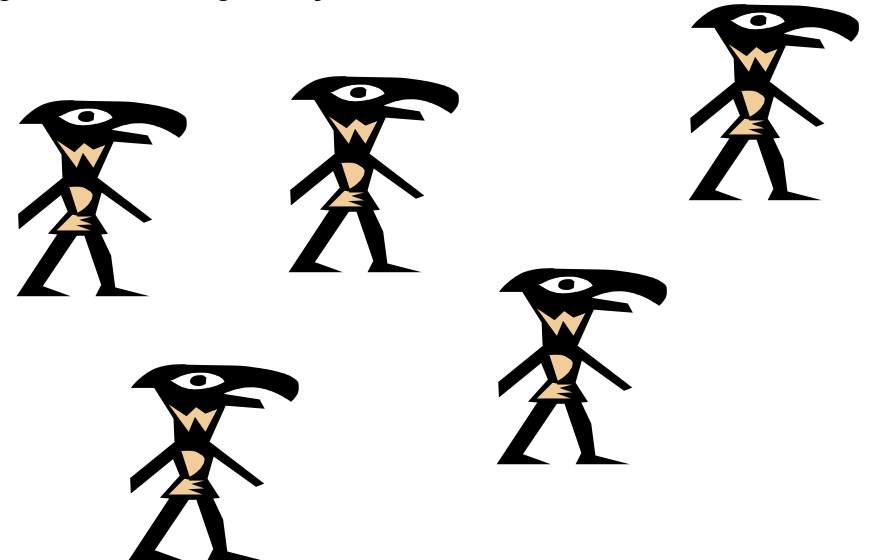
-A Tülkü lələ, amandır, mənə balavın başına çevir nə edirsən et, amma suya atma.

-Tülkü Qarğanın yalvarmasına baxmadı, onu qayadan başı aşağı buraxdı. Qarğa:

-Qağ...qağ... edərək ücdü və qabaq tərəfdəki qayaya qondu.

-Tülkü kör peşman baxıb dedi.

-Qarğa məndən hiləgər imiş.



Anlamaz qoca, sənin ürəyində heç rəhm yoxdur? Özün rahat və asudə eşşəyin üstündə oturb, yazıq uşağı da dalınca yügürdüsən?

Yazıq dəyirmançı bu sözlərdən çox utabıb, çəkdi oğlunu da dalına mindirdi. Kəndə yaxınlaşanda bir

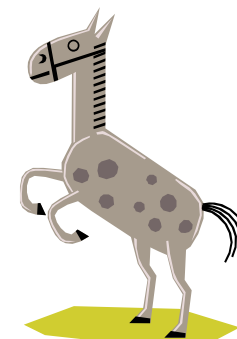
kişi dəyirmançıdan soruşdu:

Bu ulaq sizin özünüzün deyil?

Dəyirmançı dedi:

Niyə özümüzündür.

Kişi dəyirmançıya dedi:



Özününkü olsaydı, belə eləməzdin, heyvan eşşəyin az qalır yük altında beli sinsin. Sizin insafınız olsa, bir az da onu dalınıza alarsınız. Dəyirmançı bunu eşidəndən sonra eşşəkdən endi, oğlunu da endirdi. Sonra da ağacın bir başını öz çiyinə, bir başını da o kişinin çiyinə qoyub eşşəyin də əl-ayağını bağlayıb çiyinlərinə aldılar. Şəhərə gedən yolda bir körpü var idi. Körpünün altından dərin bir çay axırdı. Dəyirmançı ilə kişi eşşək çiyinlərində körpünün üstündən keçərkən, orada bunlara baxan və körpünün dövrəsinə yığışan adamlar onlara çox güləndə, birdən eşşək adamların səs-küyündən hürküb əl-ayağı bağlı çayın içinə düşdü. Çayın suyu yazıq eşşəyi götürüb apardı.

Dəyirmançı utana-utana, yorğun-arğın öz kəndlərinə qayıtdı. Yolda öz-özünə düşünürdü:

-İstədim hamını özümdən razı salam, heçkəs məndən razı olmadı, artıq eşşəyimi də əldən verdim!

دئیە ک	Deyək	دئمە یک	دئیە ک	Deyək	دئمە یک
کیملیک	Kimlik	هویت	سیلگی	Silgi	پاک کن
تاپشیریق	Tapşırıq	سفارش	بويا	Boya	رنگ
گولچو	Gülçü	گل فروش	اؤیرتمن	Öyrətmən	معلم
کئشیک	Keşik	نگهبان	اؤیرنجی	Öyrənci	دانش آموز
گزمه	Gəzmə	گشت	ییلیم یورد	Bilim yurd	دانشگاه
شئح	Şeh	رطوبت	ساغ	Sağ	راست
باش	Yaş	سن	سول	Sol	چپ
وئرلیش	Verliş	برنامه	کپه تک	Kəpənək	پروانه
آپاریجی	Aparıcı	مجری	یاستیق	Yastıq	متکه
سۆزلوک	Sözlük	لغت نامه	چانتا	Çanta	کیف
باشماقچی	Başmaqçı	کفش	دوغو	Doğu	شرق
ساتیجی	Satıcı	فروشنده	باتی	Batı	غرب
پای	Pay	هدیه	قورئی	Quzey	شمال
سکسن	Səksən	هشتاد	گونئی	Güney	جنوب
گۆزلوک	Gözlük	عینک	دیش فیرچاسی	Diş fırçası	مسواک
دمیر یول	Dəmir yol	راه آهن	دیش خمیری	Diş xəmiri	خمیر دندان
گوله ش	Güləş	کشتی	سیرغا	Sırğa	گوشواره
داغچیلیق	Dağçılıq	کوهنوردی	دیش سایی	Diş sapı	نخ دندان
آدا	Ada	جزیره	سوبودوجو	Soyuducu	یخچال
اۆلکه	Ölkə	کشور	کۆرپو	Körpü	پل
دوغال	Doğal	طبیعی	قولچاق	Qolçaq	عروسک
دنیز	Dəniz	دریا	ایشیقلیق	Işıqlıq	روشنایی
باریش	Yarış	مسابقه	چاغ	Çağ	زمان
قوللوقچو	Qulluqçu	خدمتکار	اؤرنک	Örnək	نمونه
وطنداش	Vətəndaş	هم وطن	سورغو	Sorğu	سوال
یوردداش	Yurddaş	همشهری	باغیمسيز	Bağımsız	مستقل

دئیه ک	Deyək	دئمه یک	دئیه ک	Deyək	دئمه یک
ماهنی	Mahnı	ترانه	آیدین	aydın	روشن فکر
یاریم آدا	Yarım ada	شبه جزیره	سوی	soy	تبار
آری	Arı	زنبور	سیناق	sınaq	امتحان
سینیر	Sınır	مرز	دیرنیش	dirəniş	مقاومت
اوچاق	Uçaq	هواپیما	قوتسال	qutsal	مقدس
یاپیشقان	Yapışqan	چسب	اکیز	əkiz	دوقلو
باش کند	Başkənd	پایتخت	دوراق	duraq	ایستگاه
قوشاچای	Qoşaçay	میانندوآب	سانکی	sanki	گویا
سولدوز	Sulduz	نقده	داش قالاq	daşqalaq	سنگسار
یانلیش	yanlış	غلط	باغیر	bağır	جگر
زیره	zirvə	قله	سورگون	sürgün	تبعید
قاپا	qaya	صخره	دئوریم	devrim	انقلاب
یاسا	yasa	قانون	اوغور	uğur	پیروزی
یارارلی	yararlı	مفید	یارالی	yaralı	زخمی
ساحه	sahə	زمینه	آسیلی	Asılı	وابسته
گؤرکم	görkəm	ظاهر	قایناق	Qaynaq	منبع
ساپ	sap	نخ	اولوملو	olumlu	مثبت
یازار	yazar	نویسنده	قوللانماق	Qullanmaq	استفاده کردن
قارشى	qarşı	مقابل	اولومسوز	Olumsuz	منفی
ماراق	maraq	علاقه	قادین	Qadın	زن
تمل	təməl	اساس - پایه	بوتونجول	Bütüncül	جامع
سوروملو	sorumlu	مسئول	دیشکن	Dəyişkən	متغیر
ایلگی	ilgi	رابطه	بیری سل	Birisəl	فردی
ایدمان	idman	ورزش	یانیت	yanıt	جواب
امک داش	əməkdaş	همکار	سرگی	Sərgi	نمایشگاه
اوزمان	uzman	متخصص	یولدش	yoldaş	دوست

دئیه ک	Deyək	دئمه یک	دئیه ک	Deyək	دئمه یک
گؤیرچین	Göyərçin	کبوتر	بیلیم	Bilim	علم
قافلان	Qaflan	پلنگ	بیلیم سل	Bilim səl	علمی
درگی	Dərgi	مجله	اؤرگوت	Örgüt	تشکیلات
آسلان	Aslan	شیر	اؤرگوت سل	Örgütsəl	تشکیلاتی
چیچک	Çiçək	شکوفه	یاردیم	Yardım	کمک
گۆبه لک	Göbələk	قارچ	دوندورما	Dondurma	بستنی
یارپیز	Yarpız	پونه	دری	Dəri	پوست
قایماق	Qaymaq	خامه	توپلوم	Toplum	اجتماع
بیبر	Bibər	فلفل	توپلومسال	Toplumsal	اجتماعی
اته ک	Ətək	دامن	باغیرساق	Bağırmaq	روده
الچک	Əlcək	دستکش	قیزیل دری	Qızıl dəri	سرخ پوست
کول قایی	Kül qabı	زیرسیگاری	قارا دری	Qara dəri	سیاه پوست
دوز قایی	Duz qabı	نمکدان	آغ دری	Ağdəri	سفید پوست
گؤل	Göl	استخر	بئین	Beyin	مغز
اوزوم سویو	Üzüm suyu	آب انگور	بیله ک	Bilək	مچ
سویوق بولاq	Soyuq bulaq	مهاباد	بؤیرک	Böyrək	کلیه
تیکان تپه	Tikan təpə	تکاب	انگ	Əng	چانه
سایین قالا	Sayın qala	شاهین دژ	دیرناق توتان	Dırnaqtutan	ناخن گیر
خیاو	Xiyav	مشکین شهر	اکینچی	Əkinçi	کشاورز
بولاق	Bulaq	چشمه	آیی	Ayı	خرس
پالتار	Paltar	لباس	ده له	Dələ	سنتجاب
گلین	Gəlin	عروس	یاشیل	Yaşıl	سبز
به ی	Bəy	داماد	بولود	Bulud	ابر
اسکی	Əski	قدیم	قارتال	Qartal	عقاب
درتک	Dərnək	انجمن	چه لیک	Çəlik	عصا
اؤندر	Öndər	رهبر	توز سوران	Toz soran	جارو برقی